

## بررسی زمینه‌های خانوادگی موثر بر انتخاب رشته در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان

حسین دهقان<sup>۱\*</sup>  
برزو مروت<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش بررسی زمینه‌های خانوادگی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان بود.

**روش:** روش مطالعه در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه واقع در منطقه ۸ تهران در سال ۹۵-۱۳۹۴ بودند، جمعیت نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای، متناسب با جنسیت شامل ۳۵۵ نفر از دانش‌آموزان، با رعایت نسبت جنسی ۱۷۸ نفر پسر و ۱۷۷ نفر دختر بود. ابزار سنجش، پرسشنامه محقق ساخته بود، به منظور برآورد پایایی ابزار سنجش از پیش آزمونی با جامعه آماری ۳۰ نفر بهره‌گرفته شد و نتایج از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد و پایایی  $0/8 =$  بدست آمد. به منظور توصیف اطلاعات به دست آمده از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و شاخص پراکندگی انحراف معیار استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس بهره‌گرفته شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که عوامل موثر خانوادگی (سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی) در بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تفاوت معناداری داشت ( $p < 0.05$ )

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های تحقیق بین متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با انتخاب رشته دانش‌آموزان رابطه وجود دارد و تغییر در هر یک از آنها موجب تغییر در انتخاب رشته دانش‌آموزان می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** زمینه‌های خانوادگی، انتخاب رشته، مقطع دبیرستان، دانش‌آموزان

<sup>۱</sup> -استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدچمران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Hosseindeghan42@gmail.com

<sup>۲</sup> -استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهیدمفتح، شهر ری، ایران.

## مقدمه

نقش طبقه اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و اختلاف‌های طبقاتی در بسیاری از عرصه‌های آموزشی از جمله انتخاب رشته و عملکرد و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مورد توجه کارشناسان و صاحب‌نظران امر آموزش بوده و می‌باشد. آنچه با عملکرد و موفقیت تحصیلی در ارتباط نزدیکتری قرار می‌گیرد، سبک زندگی است که متغیرهای متعددی را شامل می‌شود. بر طبق نظر بورديو این متغیرها شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی می‌باشد. برای مثال، تعلق به طبقه‌های اجتماعی بالا، شأن اجتماعی و عزت نفس بالایی را به دنبال دارد. همچنین برای طبقه متوسط، مطلوبیت انگیزشی را تغییر می‌دهد و جابه‌جایی طبقاتی را ممکن و مقدور و همنوایی با ارزشهای رسمی را تسهیل می‌سازد؛ مفروضه‌های مثبت در نگرش معلم به دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد؛ فرصت‌های آموزشی بیش‌تری فراهم می‌آورد و بهره‌وری از تکنولوژی آموزشی را امکان‌پذیر می‌کند (سرخ، ۱۳۸۶). امکانات آموزشی افراد چشم‌اندازی بر تمام مزایا و برتری فرهنگی-اقتصادی و اجتماعی است و برای پیشرفت و دستیابی اشخاص به تحصیلات بالاتر موثر می‌باشد. در کنار این فاکتور، عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر سطح تحصیلات و همچنین عملکرد دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. بنابراین آموزش و پرورش نابرابری را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. اسنادی وجود دارد مبنی بر این که چگونه نابرابری فرصت‌ها در میان افراد در بزرگسالی بازتابی از نابرابری در دستیابی به آموزش و پرورش برابر در دوران تحصیل بوده است. تفاوت در آموزش عمومی، فرصت‌های آموزشی را برای کودکان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌نماید. مشاغل و گرفتاری‌های روزمره پدران، سواد و تحصیلات اندک خانواده، پرجمعیت بودن خانواده‌ها، اختلاف‌های درون خانوادگی، فقر اقتصادی و... با پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای قابل ملاحظه دارد. مشاغل و گرفتاری‌های روزمره پدران و سواد و تحصیلات اندک، پرجمعیت بودن خانواده‌ها، اختلاف‌های خانوادگی، دوستان ناباب، فقر اجتماعی، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی موجب می‌شود تا دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی پایین، در مقایسه با هم‌تاهای خود زودتر تحصیلات خود را به پایان برسانند، تا به مشاغل اجتماعی بهتر و بالاتر از خاستگاه طبقاتی‌شان دل ببندند. بنابراین، نابرابری آموزشی امکان تحرک اجتماعی و رقابت را برای این طبقات تضعیف نموده و با اعمال محدودیت در امکان‌ها و فرصت‌های آموزشی، هرگونه آموزش مکمل را بازداشته و آموزش‌های ضروری را محدود می‌سازد. در نتیجه، فقر موقعیتی در این طبقات از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و روز به روز بر شکاف طبقاتی افزوده خواهد شد. این مسأله برای پیشرفت جوامع به خصوص کشورهای در حال توسعه می‌تواند معضلی اساسی تلقی شود. نظر به اهمیت جایگاه خانواده در زندگی دانش‌آموزان و اهمیت عملکرد تحصیلی در انتخاب رشته و به تبع آن مسیر زندگی‌آتی، ضرورت انجام مطالعاتی که به نقش خانواده به عنوان نخستین کانون برای ایجاد و یا منع فرصت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بپردازد دوچندان می‌کند. براساس مطالعات صورت گرفته امروزه یکی از عوامل موثر و یا موانع بازدارنده در پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، زمینه و خاستگاه خانواده است که به دانش‌آموز تحمیل می‌شود و این موضوع می‌تواند همسو و یا ناهمسو با توانایی‌ها و علایق دانش‌آموز باشد و از این جهت در موفقیت و ناموفقیت دانش‌آموز می‌تواند به مثابه شمشیر دولب عمل نماید. این تحقیق سعی دارد تا به نقش تعیین‌کننده خاستگاه خانواده به عنوان عامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان بپردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال و سؤال‌هایی است که خانواده با چه مکانیسم و دینامیسمی و تحت تأثیر چه فاکتورهایی می‌تواند بر انتخاب رشته و در نتیجه سرنوشت جوانان و جامعه اثرگذار باشد؟

بورديو با طرح مفهوم عادت‌واره (هَبیتوس) این سؤال مهم را مطرح می‌کند که چگونه رفتار می‌تواند بدون آنکه محصول تبعیت از قوانین باشد حالتی قاعده‌مند پیدا کند؟ او عادت‌واره را از نظر شکل به صورت سرمایه‌عاملان تعریف می‌کند که «ساختار ساخته شده و سازنده» را شامل می‌شود. این ساختار همراه با گذشته و حال فرد مانند خاستگاه خانوادگی و تجربه‌های تحصیلی «ساختارمند» است و در عین حال، سازه‌ای است که نه به طور اتفاقی و بدون طرح، بلکه به گونه‌ای نظام‌مند شکل گرفته است (گرنفل، ۲۰۰۸). وی که بخش عمده‌ای از تحقیقات خود را به تحلیل وضعیت آموزش در کشور فرانسه اختصاص داد، در کتاب انسان‌دانشگاهی موقعیت‌های نهادینه شده در میدان تولید دانش را تشریح کرد و نشان داد که شرط تحصیل در

<sup>1</sup> Grenfell

دانشگاه های ممتاز فرانسه برخوردار از سرمایه فرهنگی مناسب است (گرنفل، ۲۰۰۸). بدین ترتیب، آنانی که دارای سرمایه ی فرهنگی غنی هستند در قیاس با کسانی که سرمایه فرهنگی زیادی ندارند، از امکانات آموزشی استفاده بهتری کرده و با محیط آموزشی انطباق بالاتری خواهند داشت (کرو، ۱۹۹۷). ریتزر در توضیح نظریه سرمایه فرهنگی بورديو می نویسد: «این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی شان سرچشمه می گیرد، در این بازار انسانها سرمایه شان را جمع می کنند و آن را یا برای بهبود جایگاه اجتماعی شان هزینه می کنند و یا جایگاهشان را از دست می دهند و باعث می شود که جایگاهشان در چهارچوب اقتصاد فرهنگی وخیم تر شود» (ریتزر، ۱۳۷۴)

بورديو سرمایه فرهنگی را به سه شکل تقسیم بندی می کند: (۱) تجسم یافته یا مجسم که ترتیبات دیرپای ذهن و بدن را شامل می شود، (۲) عینیت یافته که به صورت کالاهای فرهنگی چون تصاویر، کتب، کامپیوتر و هنر بروز می کند. (۳) حالت نهادی شده که از طریق مدارک واقعی و دیگر شواهد پایگاه فرهنگی بازنمایی می شود (شرکا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، بورديو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶؛ ۲۵۵). بورديو، تاثیر خاستگاه اجتماعی خانواده را بر موفقیت تحصیلی فرزند ناشی از نوع و میزان منافع فرهنگی می داند که والدین برای فرزند خود فراهم می کنند (گرسمن، ۱۹۹۷). فلذا به اعتقاد وی منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی کودک، عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب می شود (شارع پور، ۱۳۹۳: ۸۵).

بهترین فهم از سرمایه اجتماعی بعد نهادی معاملات، بازارها، قراردادهاست که شیوه های روابط مطمئن ثبات و آگاهی تسهیل یافته بین بازیگران را تعیین می کند. (مونتگومری، ۲۰۰۱). بورديو نشان می دهد که مکانیسم پویایی جامعه در رقابت قشرهای مختلف برای افزودن سرمایه کلی خود براساس به کارگیری موثر هر یک از مولفه های آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) و تبدیل آن ها به یکدیگر در جهت افزایش سرمایه کلی در عرصه منازعات تولیدی درون جامعه است... افراد همچنین می توانند سرمایه اقتصادی را در شکل سرمایه سمبلیک، سرمایه گذاری کنند تا سرمایه اجتماعی یا فرهنگی (مثلاً پرستیز) به دست آورند که تحت شرایطی خود می تواند با سرمایه اقتصادی مبادله شود. برای مثال رفتن به دانشگاه و کسب تحصیلات عالی مستلزم دور ماندن از بازار اقتصادی برای کسب سرمایه آموزشی و فرهنگی است. این سرمایه آموزشی به افراد امکان می دهد راه کار حرفه ای برای خود بیابند که خود زمینه ساز کسب سرمایه اقتصادی و اجتماعی ایشان گردد.

جیمز کلمن نیز دو جزء جدا از هم سرمایه اجتماعی را به عنوان یک ساخت رابطه ای و به عنوان فراهم کننده منابع برای دیگران از طریق رابطه با افراد شناسایی کرده است. سرمایه اجتماعی هرگونه رابطه اجتماعی است که منبعی برای فرد محسوب شود. کلمن منابع متعدد سرمایه اجتماعی را شامل انتظارات و تعهدات، اعتماد و بده و بستان و تثبیت هنجارها و ارزشها در روابط می داند (دانیل و شفر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). در نظریه کلمن سرمایه اجتماعی نشان دهنده منبعی است، زیرا متضمن شبکه های مبتنی بر اعتماد و ارزشهای مشترک و مفهوم سرمایه اجتماعی وسیله ای برای تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است (فیلد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷).

به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی اشاره دارد به روابط اجتماعی که هم درون و هم بیرون خانواده دانش آموز را در بر می گیرد. کلمن بر اهمیت سرمایه اجتماعی بیرون خانواده تاکید کرده است. این سرمایه اشاره دارد به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهاد های اجتماعی و اعضای اجتماع از قبیل مدارس، سازمان های اجتماعی و غیره. کلمن تاکید می کند که سرمایه اجتماعی ضرورتاً از بافت ویژه ای برخوردار است. در واقع سرمایه اجتماع در رابطه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی موجود بین گروه هایی که کار مشارکتی را تسهیل می کنند وجود دارد. در درون خانواده، سرمایه اجتماعی در روابط بین اعضای خانواده به خصوص بین والدین و فرزندان تجلی پیدا می کند. سرمایه اجتماعی درون خانواده، مکانیسم مهمی است که از طریق آن انتظارات تحصیلی والدین به فرزندان انتقال می یابد و انتظارات تحصیلی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. (کلمن، ۱۹۹۸). به

<sup>1</sup> Soroka

<sup>2</sup> Bourdieu

<sup>3</sup> Danil & Shafer

<sup>4</sup> Field

اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه جنبه ساختار اجتماعی یافت: اول) روابط بزرگسالان. دوم) رابطه بین دو بزرگسالی که روابطی با کودک دارند. سوم) استمرار و دوام ساختار در طول زمان (شارع پور، ۱۳۹۳: ۲۵۷).

کلمن در پژوهش‌های خود عوامل گوناگونی مانند نارسایی وسایل درسی، کمبود حقوق معلمان، وضع اقتصادی و غیبت شاگردان را از مدرسه مورد بررسی قرارداد و باشکفتی دریافت که ناکامی و عقب ماندگی تحصیلی شاگردان در خانواده های فقیر و پائین جامعه بیشتر از هر مورد دیگر است. زیرا در اغلب این خانواده ها، علاوه بر نارسایی های غذایی و پوشاکی، انگیزه و احساس مسئولیت درسی کمتر میشود (پارسا، ۱۳۸۰: ۶۱). نتیجه مطالعات کلمن این بود که در تبیین تفاوت در موقعیتهای تحصیلی دانش آموزان، خاستگاه خانوادگی به مراتب مهمتر از ویژگیهای مدرسه است. به عبارت دیگر خانواده بیش از مدرسه، مسئول افت و ناتوانی تحصیلی دانش آموزان است (شارع پور، ۱۳۹۳: ۳۷).

تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تاثیر کلمن است. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی عبارت از اعتماد، هنجارها و شبکه هایی است که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازد. او برای سنجش سرمایه اجتماعی از سنجح مرکبی استفاده می‌کند. به اعتقاد وی شبکه های مشارکت مدنی (نظیر انجمنهای شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونیها، باشگاههای ورزشی و نظیر آنها) از اشکال اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این شبکه ها، هنجار معامله به مثل را در جامعه تقویت می‌کنند (شارع پور، ۱۳۹۳: ۲۵۳). پاتنام «روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر» را بنیادی ترین جزء سرمایه اجتماعی و شبکه ها را خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد و هنجارهای همیاری می‌داند. نوع سوم اعتماد، اعتماد به حکومتها و نهادهای اجتماعی است که به اعتماد نهادی مشهور است (پاتنام، ۲۰۰۵).

به نظر گلدمن مفهوم بنیادی در علم اخیر همانا آگاهی بالقوه است؛ به عبارتی آگاهی بالقوه از امروشرایط واقعی باید ایجاد شود. بدین معنی که آگاهی واقعی حاصل شرایط بالفعلی است که آگاهی طبقاتی تحت آن وجود دارد. آگاهی بالقوه بیانگر امکانات در دسترس آن طبقه در چارچوب ساختار اجتماعی معین آن است. آگاهی واقعی بدین ترتیب «آگاهی جمعی» یک طبقه در مرحله ای معین از تاریخ آن است. در واقع موضع طبقاتی بر مبنای کلیت مناسبات میان افراد و جامعه آنچه را که گلدمن «ساختار روانی» مشترک تمامی اعضای آن طبقه می‌نامد تولید می‌کند. اما این بدین معنی نیست که همه محصولات فکری نمایانگر مواضع طبقاتی است؛ تنها محصولات نقیض نمایانگر ایفا می‌کنند که مبین ساختاری مشترک باشند (همیلتون، ۱۳۸۰؛ ۱۲۵).

اچه وری معتقد است که دانش آموزان مدارس دستکم سه نوع سرمایه دارند که می‌توانند از آنها برای نیل به اهداف آموزشی و موفقیت تحصیلی بهره ببرند: الف) سرمایه مالی که شامل پولی است که از سوی خانواده آنها برای پرداخت هزینه های تحصیلی نظیر خرید کتاب و غیره سرمایه گذاری می‌شود. ب) سرمایه انسانی که شامل توانایی و انگیزش خود دانش آموزان می‌شود. در این بخش می‌توان به علاقه و انگیزش معلمان نیز اشاره کرد. ج) سرمایه اجتماعی که از طریق تعامل بین دانش آموزان و معلمان در جریان فرایند یادگیری، حاصل می‌شود (اچه وری، ۲۰۰۱).

- بیابانگرد (۱۳۸۰) در مطالعات خویش به این نتیجه دست یافته است که وضعیت اقتصادی تعیین کننده ی محل سکونت است و اگر دانش آموزان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند برای انجام تکالیف و مطالعه دروس با مشکل روبرو خواهند بود. محل سکونت تعیین کننده نوع مدرسه ای است که کودک در آن درس می‌خواند. وقتی محل سکونت دانش آموز در یک محل فقیر باشد از نظر امکانات آموزشی و معلمان با کمبودهایی روبرو می‌شوند که مستقیماً بر پیشرفت تحصیلی او اثر می‌گذارد.

- نوغانی (۱۳۸۱) در رساله دکتري خود تحت عنوان «تحليل جامعه‌شناختی موفقیت در ورود به آموزش عالی» کوشیده است تا نقش سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی افراد را در احتمال ورود آنان به دانشگاه نشان دهد. او بدین نتیجه رسیده است که «بعد سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی خانواده بیشترین سهم را در آزمون سراسری دانشگاهها (نمره و احتمال قبولی) داشته است. به عبارتی سرمایه فرهنگی و سپس سرمایه اقتصادی خانواده بالاترین تأثیر را در میزان ورود داوطلبان به دانشگاه بر جای می‌گذارد.

<sup>1</sup> Putnam

کاووسی (۱۳۸۲) در تحقیقی پیرامون «تأثیر مطالعه والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان» به این نتیجه رسیده است که میزان علایق والدین به مطالعه و توجه به علم از جمله عوامل انگیزشی مؤثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان است؛ یعنی اگر در خانواده ای والدین به مطالعه بپردازند به مرور علاقه ی دانش آموز به مطالعه نیز افزایش می یابد و این امر باعث می شود فرزندان در امر تحصیل پیشرفت کنند. -محبی (۱۳۸۷) در تحقیقی دیگر پیرامون «سواد والدین و عمل کرد تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه ی چهار کرج» به این نتیجه رسیده است که بین عملکرد دانش آموزانی که دارای والدینی باسواد هستند و دانش آموزانی که والدین بی سواد دارند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات مثبتی دارد.

پریچهر (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود که در منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران در باره عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی علوم انسانی و علوم تجربی در بین دانش آموزان سال اول دبیرستان های این منطقه صورت گرفته که نشان می دهد بین انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان و چگونگی پیشرفت آن ها در دروس مربوطه دوره راهنمایی و درک و علاقه آن ها به این دروس رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین سواد و اطلاعات والدین و رفتار و طرز برخورد معلمین در انتخاب رشته تحصیلی مؤثر است. هاینمن (۲۰۰۴) در یکی از مطالعاتش به مقوله برابری آموزشی که یک متغیر بسیار مهم در موفقیت و پیشرفت دانش آموزان در کشورهای درحال توسعه و فقیر است، پرداخته و به گفته او از حیث هزینه های آموزشی (عمرانی) برای دانش آموز ابتدایی در بین کشورهای مختلف جهان اختلاف فاحشی وجود دارد. همچنین تحقیقات انجام گرفته در استرالیا نشان دهنده اینست که دانش آموزانی که والدین آن ها دارای تحصیلات دانشگاهی اند و مشاغل تخصصی دارند چهار برابر بیشتر از دانش آموزانی که والدینشان مشاغل کارگری دارند وارد دانشگاه می شوند.

پی کیوز (۲۰۰۰) معتقد است از عوامل متعدد و تعیین کننده وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، شغل پدر و وضعیت مالی خانواده است، دلیل محکمی برای انتخاب این عوامل وجود ندارد اما به سبب سهولت قابلیت کاربرد آن در همه کشورها به عنوان شاخص اصلی تعیین کننده وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده انتخاب شد. در اولین مطالعه علوم ارزشیابی پیشرفت تحصیلی توسط انجمن بین المللی از هر مدرسه خواسته شد دانش آموزان خود را براساس مشاغل پدرانشان طبقه بندی کنند. نتایج بیانگر اینست که تأثیر شغل پدر بر پیشرفت تحصیلی فرزندان بالا بوده است.

- ماسلن (۱۹۹۵) تحقیقی را در آمریکا به انجام رسانده است و براساس نتایج حاصله در آمریکا ۴۱ درصد دانش آموزان که جزو گروه های با درآمد پائین بودند وارد دانشگاه شده اند. این نسبت برای دانش آموزان که جزو گروه های با درآمد متوسط و بالا هستند به ترتیب ۵۷ و ۸۱ درصد بوده است. دی ماجیو (۱۹۹۲) مطالعاتی را در آمریکا به انجام رسانیده است و نتایج بیانگر اینست که سرمایه فرهنگی بر موفقیت آموزشی تأثیرگذار است. وی به این نتیجه رسید که حتی با کنترل کردن تأثیر استعداد فردی و تأثیر تحصیلات والدین، بین برخورداری فرد از منابع فرهنگی و عملکرد تحصیلی او رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر اینست که تأثیر سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی پسران بیشتر از دختران بوده است.

لی و برنیتون (۱۹۹۶) مطالعه ای تحت عنوان پیشرفت تحصیلی در مورد ۵۳۶۲ کودک بریتانیایی در دوره ابتدایی تا سن ۱۱ سالگی مورد بررسی قرار داده و تفاوت های معنی داری از نظر پیشرفت تحصیلی بدست آورد که ۷۷٪ افراد طبقه بالای متوسط با نمرات خوب در سطح ۱۸ قبول شده اند. وی پیشرفت تحصیلی را به چند عامل وابسته می داند که عبارتند از: ۱- سلامت دانش آموز ۲- تعداد افراد خانواده ۳- کیفیت مدرسه. یافته ها همچنین بیانگر اینست که والدین طبقه متوسط با مراجعه بیشتر به مدرسه و بحث پیشرفت تحصیلی فرزندانشان علاقه بیشتری از خود نشان داده اند. لامونت و لارو (۱۹۹۸) معتقدند که بخش مهمی از سرمایه فرهنگی را علایم با منزلت (نظیر رفتارها، سلیقه ها، ذائقه ها و نگرش ها) تشکیل می دهند. افراد از این علایم برای کسب امتیازات فرهنگی و اجتماعی استفاده می کنند. بدین ترتیب گروهها و طبقات اجتماعی مسلط از قدرت خود استفاده می کنند تا شرایط ساختاری لازم را برای دفاع از منافع خود به وجود آورند. به عبارت دیگر، دانش آموزانی که دارای سبک زبانی، ترجیحات زیبایی شناختی و شیوه تعاملی مسلط هستند، مورد تشویق معلمان قرار می گیرند. در پایان، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که آیا عوامل خانوادگی مؤثر (سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی) با انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد یا خیر.

## روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس هدف تحقیق از نوع کاربردی بود. جامعه آماری در این پژوهش عبارت از کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر سال دوم دبیرستان‌ها و هنرستان‌های دولتی دخترانه و پسرانه منطقه ۸ آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۹۵-۱۳۹۴ بود. جامعه آماری مشتمل بر ۴۴۵۰ دانش‌آموز سال دوم متوسطه بود که در منطقه ۸ تهران مشغول تحصیل بودند. این تعداد دانش‌آموزان در ۱۱ دبیرستان دخترانه دولتی و ۸ دبیرستان پسرانه دولتی، ۳ هنرستان دخترانه دولتی، ۳ هنرستان پسرانه دولتی، ۳ هنرستان کاردانش دخترانه و ۲ هنرستان کار و دانش پسرانه مشغول تحصیل بودند. برای برآورد حجم نمونه با در اختیار داشتن حجم کل جامعه آماری، از جدول مورگان برای برآورد حجم نمونه استفاده شد. ویژگی این جدول اینست که حداکثر تعداد نمونه را در اختیار ما می‌گذارد (فرشچی، ۱۳۹۰). روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای و طبقه‌ای متناسب با جنسیت بود و تعداد حجم نمونه طبق جدول مورگان و حجم جامعه آماری ۳۵۱ نفر برآورد شد. بنابراین با توجه به امکان خطا در پر کردن پرسشنامه، از ۳۵۵ نفر اطلاعات جمع‌آوری گردید. در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه شامل چند بخش است. بخش اول به دموگرافی شرکت‌کنندگان پرداخته می‌شود و بخش بعدی با استفاده از مبانی نظری از ۳ فاکتور موثر بر روی انتخاب رشته، مورد پرسش قرار گرفت و هر یک از مواد پرسشنامه به صورت یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = کاملاً مخالف تا ۵ = کاملاً موافق) طراحی شد.

به منظور برآورد پایایی ابزار سنجش از پیش‌آزمونی با جامعه آماری ۳۰ نفر بهره‌گرفته شد و نتایج از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد و دارای پایایی ۰/۸ = بدست آمد که از نظر پایایی مورد قبول است. بدین معنا که سؤالات و گویه‌ها برای سنجش مفهوم یا متغیر مورد نظر مناسب بودند. اعتبار عبارت است از میزان انطباق پذیری تعریف مفهومی متغیر و تعریف عملیاتی آن (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۳). برای ارزیابی و سنجش روایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری و محتوایی استفاده شد؛ بدین معنا که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری بیشتر با راهنمایی استاد راهنما و افراد صاحب فن و نظر، برای بررسی فضای مفهومی بهره‌گرفته شده است.

## یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که ۵۰/۱ درصد پاسخگویان جنسیت خود را مرد و کمترین درصد ۴۹/۹ درصد نیز جنسیت خود را زن گزارش کرده‌اند. از نظر رشته تحصیلی نیز بیشترین درصد پاسخگویان ۲۶/۸٪ رشته تحصیلی خود را تجربی و کمترین درصد ۱۱/۸٪ نیز رشته تحصیلی خود را کاردانش گزارش کرده‌اند از نظر شغل نیز بیشترین درصد پاسخگویان ۳۵/۲٪ شغل پدر خود را رسمی قطعی و کمترین درصد ۶/۲٪ نیز آزمایشی گزارش کرده‌اند از نظر درآمد نیز بیشترین درصد پاسخگویان ۳۹/۲٪ درآمد ماهیانه خود را ۳ الی ۴ میلیون و کمترین درصد ۲/۵٪ نیز زیر ۱ میلیون تومان گزارش کرده‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	معرف	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۷۸	۵۰/۱
	زن	۱۷۷	۴۹/۹
	کل	۳۵۵	۱۰۰/۰
رشته تحصیلی	ریاضی	۶۷	۱۸/۹
	تجربی	۹۵	۲۶/۸
	انسانی	۵۹	۱۶/۶
	فنی	۹۲	۲۵/۹
وضعیت استخدامی پدر	کاردانش	۴۲	۱۱/۸
	کل	۳۵۵	۱۰۰/۰
	بی‌پاسخ	۱	۰/۳

۶۸	۲۴	بیکار	
۶۲	۲۲	آزمایشی	
۲۶.۵	۹۴	قراردادی	
۳۵.۲	۱۲۵	رسمی قطعی	
۲۵.۱	۸۹	آزاد	
۱۰۰۰	۳۵۵	کل	
۲.۵	۹	زیر ۱ میلیون	
۱۶.۱	۵۷	۱-۲ میلیون	
۳۴.۹	۱۲۴	۲-۳ میلیون	درآمد ماهیانه خانواد
۳۹.۲	۱۳۹	۳-۴ میلیون	ه
۷.۳	۲۶	۴ میلیون به بالا	
۱۰۰۰	۳۵۵	کل	

نتایج جدول شماره ۲ بیانگر اینست که میانگین شاخص های ابزار سنجش در حد متوسط به بالا بوده است. به عبارت دیگر کلیه شاخص ها در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول ۲. آماره های توصیفی برحسب سرمایه های شش گانه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
سرمایه تجسم یافته	۳۵۵	۱۶.۱۶۶۲	۳.۲۰۶۲۸	.۱۷۰۱۷
سرمایه عینیت یافته	۳۵۵	۲۸.۳۱۵۵	۵.۷۹۱۷۴	.۳۰۷۳۹
سرمایه اجتماعی	۳۵۵	۱۸.۳۲۹۶	۲.۶۳۶۳۶	.۱۳۹۹۲
سرمایه فرهنگی	۳۵۵	۵۴.۴۸۱۷	۷.۹۷۱۸۱	.۴۲۳۱۰
سرمایه نهادی	۳۵۵	۷.۲۳۱۰	۱.۹۴۲۰۰	.۱۰۳۰۷
سرمایه اقتصادی	۳۵۵	۱۲.۵۰۱۴	۲.۹۷۱۹۷	.۱۵۷۷۴

فرضیه اول: به نظر می رسد بین سرمایه اقتصادی و نوع انتخاب رشته دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمودن این فرضیه از ضریب همبستگی اسپرمن در سطح رتبه ای استفاده شده و با توجه به سطح معنی داری (Sig.=0.00) می توان گفت بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و نوع انتخاب رشته رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی اسپرمن که برابر  $r=0.523$  شدت رابطه، در حد متوسط ارزیابی می شود. همچنین با توجه به علامت ضریب اسپرمن که مثبت است فلذا رابطه بین این دو متغیر مثبت و مستقیم است.

جدول ۳. همبستگی بین سرمایه اقتصادی و انتخاب رشته

متغیر	سرمایه اقتصادی	نوع انتخاب رشته
سرمایه اقتصادی	۱	.۵۲۳**
Sig	.۰۰۰	.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵
نوع انتخاب رشته	.۵۲۳**	۱
Sig	.۰۰۰	.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی و نوع انتخاب رشته دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از جدول شماره ۴ بیانگر اینست که بین سرمایه فرهنگی با نوع انتخاب رشته رابطه معنی داری نسبتاً قوی وجود دارد. نظر به اینکه سطح معنی داری در حد صفر (Sig.=0.00) می باشد می توان گفت بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و نوع

انتخاب رشته رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به میزان قدر مطلق ( $r=0.663$ ) شدت رابطه، در حد مناسبی ارزیابی می‌شود. همچنین با توجه به جهت ضریب اسپرمن که مثبت است فلذا رابطه بین این دو متغیر مثبت و مستقیم است.

جدول ۴. همبستگی بین سرمایه فرهنگی و انتخاب رشته

متغیر	سرمایه فرهنگی	نوع انتخاب رشته
سرمایه فرهنگی	۱	۶۶۳**
Sig	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵
نوع انتخاب رشته	۶۶۳**	۱
Sig	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و نوع انتخاب رشته دانش آموزان رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از جدول شماره ۵ بیانگر اینست که بین سرمایه اجتماعی با نوع انتخاب رشته رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معنی داری در حد صفر ( $Sig.=0.00$ ) بوده میتوان گفت بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و نوع انتخاب رشته رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به میزان قدر مطلق ضریب همبستگی اسپرمن ( $r=0.623$ )، شدت رابطه در خدمتوسط به بالا ارزیابی می‌شود فلذا فرض صفر رد گردیده و فرضیه تحقیق اثبات شده است.

جدول ۵. همبستگی بین سرمایه اجتماعی و انتخاب رشته

متغیر	سرمایه اجتماعی	نوع انتخاب رشته
سرمایه اجتماعی	۱	۶۲۳**
Sig	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵
نوع انتخاب رشته	۶۲۳**	۱
Sig	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
N	۳۵۵	۳۵۵

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میزان سرمایه فرهنگی در بین رشته‌های مختلف متفاوت می‌باشد نتایج حاصل از تحلیل واریانس بیانگر اینست که بین رشته‌های تحصیلی و میزان سرمایه فرهنگی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر بیشترین میانگین ( $58.41$ ) میزان سرمایه فرهنگی متعلق به رشته ریاضی و کمترین میانگین ( $45.59$ ) متعلق به رشته کاردانش می‌باشد و این تفاوت به لحاظ آماری تأیید شده، زیرا سطح معنی داری بدست آمده کمتر از  $0.05$  می‌باشد.

جدول ۶ نتایج تحلیل واریانس میزان سرمایه فرهنگی بر حسب رشته تحصیلی

خطای معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه درسی
۳۸۹۰۵	۵.۹۵۶۶۸	۵۸.۴۱۸۳	۶۷	ریاضی
۲۱۹۶۲	۴.۹۴۵۶۲	۴۸.۹۳۳۹	۹۵	تجربی
۶۲۵۹۹	۴.۵۰۴۰۰	۵۷.۷۳۹۰	۵۹	انسانی
۸۳۶۸۹	۳.۶۵۵۸۲	۴۸.۳۴۱۲	۹۲	فنی
۲۱۹۷۴	۳.۶۹۲۳۷	۴۵.۵۹۸۴	۴۲	کاردانش
۴۱۹۹۲	۲.۶۳۶۳۶	۱۸.۳۲۹۶	۳۵۵	کل



گروه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	عدد f	سطح معنی داری
وارینانس بین گروهی	۶۰۸۳۰۷۱	۴	۱۵۲۰۷۶۸	۳۲۰۴۲۹	۰۰۰
وارینانس درون گروهی	۱۶۴۱۳۰۵۶۰	۳۵۰	۴۶۸۹۶		
کل	۲۲۴۹۶۶۳۱	۳۵۴			

فرضیه پنجم: به نظر می رسد میزان سرمایه اجتماعی در بین رشته های مختلف متفاوت می باشد نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس که در جدول شماره ۷ آمده است نشان میدهد که بین رشته های تحصیلی و میزان سرمایه اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. بیشترین میانگین (۱۹.۲۵) میزان سرمایه اجتماعی متعلق به رشته ریاضی و کمترین میانگین (۱۶.۳۰) متعلق به رشته کاردانش بوده است و این تفاوت به لحاظ آماری تأیید شده است زیرا سطح معنی داری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون میزان سرمایه اجتماعی بر حسب رشته تحصیلی

گروه درسی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار
ریاضی	۶۷	۱۹.۲۵۳۷	۱.۹۵۶۶۸	۰.۲۳۹۰۵
تجربی	۹۵	۱۸.۹۵۷۹	۱.۹۴۵۶۲	۰.۱۹۹۶۲
انسانی	۵۹	۱۷.۷۲۸۸	۲.۵۰۴۰۰	۰.۳۲۵۹۹
فنی	۹۲	۱۸.۳۱۵۲	۲.۶۵۵۸۲	۰.۲۷۶۸۹
کاردانش	۴۲	۱۶.۳۰۹۵	۳.۶۹۲۳۷	۰.۵۶۹۷۴
کل	۳۵۵	۱۸.۲۲۹۶	۲.۶۳۶۳۶	۰.۱۳۹۹۲

گروه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	عدد f	سطح معنی داری
وارینانس بین گروهی	۲۸۷۰۴۲۵	۴	۷۱۸۵۶	۱۱۰۵۷۴	۰۰۰
وارینانس درون گروهی	۲۱۷۳۰۱۴	۳۵۰	۶۰۲۰۹		
کل	۲۴۶۰۰۴۳۹	۳۵۴			

فرضیه ششم: به نظر می رسد میزان سرمایه اقتصادی در بین رشته های مختلف متفاوت می باشد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس که در جدول شماره ۸ آمده است نشان می دهد که بین رشته های تحصیلی و میزان سرمایه اقتصادی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر بیشترین میانگین (۱۴.۳۵) میزان سرمایه اقتصادی متعلق به رشته فنی و کمترین میانگین (۱۰.۷۸) متعلق به رشته کاردانش بوده است و این تفاوت به لحاظ آماری تأیید شده است زیرا سطح معنی داری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد.

جدول ۸. نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون میزان سرمایه اقتصادی بر حسب رشته تحصیلی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار
ریاضی	۶۷	۱۳۰۴۴۸	۳۰۴۷۲۷	۰.۳۷۲۲۸
تجربی	۹۵	۱۲۶۴۲۱	۲۰۲۵۴۶۲	۰.۲۳۱۳۲
انسانی	۵۹	۱۲۰۳۳۹	۲۰۶۵۲۰۴	۰.۳۴۵۲۷
فنی	۹۲	۱۴۰۳۵۳۹	۴۰۲۲۷۶۸	۰.۴۴۰۷۷
کاردانش	۴۲	۱۰۰۷۸۵۷	۳۰۹۷۸۸۲	۰.۶۱۳۹۵
کل	۳۵۵	۱۲۰۰۸۱۷	۳۰۳۵۱۶۳	۰.۱۷۷۸۹

گروه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	عدد f	سطح معنی داری
وارینانس بین گروهی	۵۳۵۰۲۹۹	۴	۱۳۳۰۸۲۵	۱۸۰۰۷۴	۰۰۰
وارینانس درون گروهی	۲۵۹۱۰۴۵۰	۳۵۰	۷۰۴۰۴		

## نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از رشته تحصیلی و امکانات آموزشی افراد چشم‌اندازی بر تمام مزایا و برتری فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی است و برای پیشرفت و دستیابی اشخاص به تحصیلات بالاتر کمک شایانی می‌کند. از نظر بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه فرهنگی برآیند ترکیبی از سرمایه اقتصادی و به‌کارگیری عادت‌واره‌ها<sup>۱</sup> است، همانگونه که ظرفیت شناختی از نظر اجتماعی ساخته می‌شود، سرمایه اقتصادی از تسهیل خرید خدمات یا کالاهای مادی به تجمیع سرمایه مادی کمک می‌کند. وی در این خصوص معتقد است که: «رشته‌های مختلف و دانشگاه‌های مختلف، به صورت نابرابر دانشجویان طبقات مختلف را در ارتباط با نمراتی که قبلاً در دبیرستان کسب کرده‌اند، جذب می‌کند و این نابرابری در ارتباط با طبقه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها است».

براساس یافته‌های اولیه پژوهش، خاستگاه خانوادگی یعنی سطح تحصیلات والدین به خصوص پدر، شغل والدین، درآمد خانواده، محل سکونت، امکانات مالی و رفاهی خانواده که بر دانش‌آموزان سیطره دارند می‌توانند با ایجاد بینش، دانش‌آموزان را به سوی انتخاب صحیح هدایت کنند و برعکس.

نتایج حاصل از تحقیق بیانگر اینست که بین متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با انتخاب رشته دانش‌آموزان رابطه وجود دارد و تغییر در هریک از آنها موجب تغییر در انتخاب رشته دانش‌آموزان می‌گردد. این نتایج موید دیدگاه سانگ و هایت می‌باشد. آنها با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان دادند که بین سطح اقتصادی و اجتماعی و افت تحصیلی رابطه وجود دارد. به زعم هوفرت نیز بین عامل اقتصادی همانند داشتن کتاب، نوع لباس، داشتن خانه ثابت و... موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان همبستگی وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق موید یافته‌های پژوهش مارکولیدز، هک و پاپاستازیو است که در آن وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده بر نگرش دانش‌آموزان برای انتخاب رشته تاثیر می‌گذارد و فرضیات اول و سوم در این پژوهش را تایید می‌کند.

از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد که ساختار خانواده نیز بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بررسی‌ها و ادبیات تحقیق نشان داده است که بین سطح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و افت تحصیلی نیز همبستگی وجود دارد این یافته‌ها همچنین با آنچه که سیف بیان می‌کند همخوانی دارد: «اگر دانش‌آموزانی که سطح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند معمولاً نسبت به درس بی‌علاقه می‌باشند و دارای انگیزه سطح پایینی هستند فلذا تکالیف خود را با جدیت انجام ندهد و پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد». بنابراین هرچه خاستگاه خانواده از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بالاتر باشد، فرزندان در رشته‌هایی همچون ریاضی فیزیک و علوم تجربی تحصیل می‌کنند و برعکس آن نیز صادق است یعنی فرزندان که متعلق به خانواده‌هایی با خاستگاه پایین هستند عمدتاً به طرف رشته‌های تحصیلی همچون کارودانش تمایل پیدا می‌کنند. طبیعتاً افت تحصیلی در بین دانش‌آموزان موجب می‌گردد تا آنها به سمت رشته‌هایی گرایش پیدا کنند که علاقه‌ای به آن ندارند. بطور کلی میتوان گفت تقریباً کلیه تحقیقات انجام شده در این زمینه رابطه شرایط خانوادگی را با انتخاب رشته تحصیلی تأیید کرده‌اند.

ارائه‌پیشنهادات: موفقیت در تحصیل و به تبع آن انتخاب رشته تحصیلی مناسب موضوعی پیچیده‌ای نیست، اما دستیابی به آنهم به یکباره و ناگهانی و با شیوه‌های آنی میسر نمی‌باشد؛ بویژه در ساختارهای اجتماعی همچون خانواده و مدرسه. با این پیشفرض برای کسب نتیجه مطلوب اولاً نیاز به برنامه‌ریزی‌های درازمدت و زیربنایی مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی باشند و ثانیاً نیازمند ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه‌ریزی آموزشی. براین اساس می‌توان پیشنهادهای راهبردی و کوتاه مدتی در دو سطح خانواده و مدرسه ارائه نمود: الف) در سطح خانواده پیشنهاد می‌شود تا خانواده‌ها توجه بیشتری به توانایی‌ها و علاقمندی‌های دانش‌آموزان و ارتباط آن با توجه به شرایط مالی و خانوادگی در انتخاب رشته داشته باشند و به مسائل زیر نیز توجه نمایند: ۱- همکاری و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با مدرسه ۲- تقویت انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان به کمک مشاورین مدرسه

<sup>1</sup> habitués

۳- در نظر گرفتن علایق و استعدادهای فرزندان خویش در انتخاب رشته تحصیلی ۴- بهره‌مندی و استفاده از امکانات فضاهای فرهنگی مثل فرهنگسراها، کتابخانه ها و... (ب) در سطح مدرسه نیز بایستی اقداماتی از قبیل: ۱- فراهم کردن امکانات آموزش و پرورش برای جذب دانش آموزان طبقات فقیر مثل مدارس شبانه روزی ۲- اعطای بورسیه به دانش آموزان بااستعداد و توانا برای تحصیل در رشته های مورد علاقه خویش ۳- فراهم نمودن زیرساخت ها و زمینه های مناسب برای جذب دانش آموزان رشته های فنی و حرفه‌ای و کارودانش.

به محققان نیز پیشنهاد می شود که برای تحقیقات آینده موضوعاتی از قبیل موارد زیر را مورد توجه قرار دهند: ۱- بررسی موانع و تنگناهای انتخاب رشته برای دانش آموزان دختر ۲- بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس غیر انتفاعی و دولتی ۳- بررسی عواملی که موجب ایجاد انگیزه در دانش آموزان می گردد. ۴- بررسی و نقش آموزش و پرورش در انتخاب رشته دانش آموزان در مناطق محروم.

## منابع

- احمدی پریچهر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه الگوی امواج مغزی با میزان رفتارهای آشکار پرخاشگری. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۸(۳۰)، ۱-۱۲.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۰). روشهای پیشگیری ازافت تحصیلی، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). روانشناسی تربیتی تهران: انتشارات ویرایش پارسا، محمد. (۱۳۸۰). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات نی.
- پی کیوز جان. (۲۰۰۰). دنیای یادگیری در مدرسه، ترجمه: فرخ لقاء رئیس دانا، تهران: انتشارات تعلیم و تربیت.
- ریترز جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- سرخ اسماعیل. (۱۳۸۶). نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره‌ی ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱).
- شارع پور، محمود. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- فرشچی مجتبی. (۱۳۹۰). فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه. پایگاه علمی شرکت داده‌پردازی آماری ایران شرق.
- قاضی طباطبائی محمود. (۱۳۸۱). تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان، مرکز مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور، تهران.
- کاوسی محمد. (۱۳۸۲). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان، اصفهان، نشر انجمن اولیا و مربیان.
- کرو مایکل. (۱۹۹۷). زوج درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی رفتاری. ترجمه اشرف سادات موسوی، (۱۳۸۴). چاپ دوم. تهران: کویان.
- مجبی کیا راضیه. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد شناختی - رفتاری بر سازگاری زناشویی زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- نوغانی محسن. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی موفقیت تحصیلی در ورود به آموزش عالی (مورد استان خراسان)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- همیلتون پل. (۱۳۸۰). ترجمه امیر حسین صادقی، تاریخ و تاریخی‌گری، ۱۳۸۴، ش ۲۴، ص ۱۲۵.
- Bourdieu P. (1986). Key concepts. Translated by Mehdi Labibi, Tehran: Naghde Afkar, 105-106 (in Persian).
- Coleman J. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology*; Vo 4.
- DiMaggio P. (1982). cultural capital and school success; The Impact of status culture participation on the Grades of US High school students', *American sociological Review*" 47: 189-201.
- Etchevery E, et al. (2001). "socialcapital and educational attainment; Av study of undergraduates in a faculty of education". *The Alberta journal of Educational Research*, Vol XVII, No 1,pp:24-39.
- Field J. (2007). Social capital. Translated by Ghaffari, GH. & Ramezani, H., Tehran: Kavir, 27-98 (in Persian).
- Grenfell M. (2008) Access to Higher Education for under Represented Groups, Strasburg Dale, Roger, etal (1987). *Schooling and Capitalism*. Rutledge and kegan paul.
- Grossman P L. (1997). Teachers knowledge in L.J.Saha(Ed), international Encyclopedia of the sociology of Education: oxford:pergman.
- Heyneman S P. (2004). International education quality, *Economics of Education Review*, vol 23.
- Lamont M, Lareau A. (1988). "Cultural capital: Allusion, gaps, and glissandos in recent theoretical development", *Sociological Theory*, No. 6, pp 68-153.
- Lee S, Briton M. (1996). Elite Education and Social Capital, the Case of South korea, *Sociology of Education*; Vo. 63, No. 3.

- Maslen J. (1995). Study finds class division in access to Australian higher education. *The Chronicle of Higher Education*; 42(14):p 50.
- Montego m. (2001). Development bank.
- Putnam R. (2005). *Democracy and civil traditions*. Translated by Delfouros, M.T., Tehran: Office of Political Studies and the Ministry of Interior, 137-292.
- Shafer N J, Danil M. (2008). *Conceptual foundations of social capital*. Translated by Shojaei.
- Soroka V. (2004). *De-Lurking in Virtual Communities: A Social Communication Network Approach to Measuring the Effects of Social and Cultural Capital*.  
10.1109/HICSS.2004.1265478.

## A Study of Family Fields Affecting Field Selection in High School Students

Hossein Dehghan<sup>1\*</sup>  
Borzoo Morovat<sup>2</sup>

### Abstract

**Purpose:** The aim of this study was to investigate family contexts on student choice.

**Method:** The study method in this study was descriptive-analytical. The statistical population of this study included all high school students located in District 8 of Tehran in 2015-16 and the sample population included 355 students with sexual intercourse, 178 boys and 177 people. It was a girl. The sampling method was cluster-type and gender-appropriate. The measurement tool was a researcher-made questionnaire. 0.8 = obtained. In order to describe the obtained information, frequency, frequency percentage, mean and scattering of standard deviation were used. Pearson correlation statistics and variance analysis were used to test the hypotheses.

**Results:** The findings showed that effective family factors (economic capital, cultural capital and social capital) were significantly different among students of different fields.

**Conclusion:** According to the research findings, there is a relationship between the variables of economic capital, cultural capital and social capital with the choice of the field of students and the change in each of them causes a change in the choice of the field of students.

**Keywords:** family backgrounds, field selection, high school, students

---

<sup>1</sup> - Assistant Professor of Farhangian University, Shahid Chamran Campus, Tehran, Iran (Author in charge)  
Hosseindehghan42@gmail.com

<sup>2</sup> - Assistant Professor, Farhangian University, Shahid Mofteh Campus, Rey City, Iran.